

دوفصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان  
سال یازدهم، شماره ۳۶، بهار و تابستان ۱۳۹۸ (صص ۱۵۶-۱۴۱)

## تحلیل تطبیقی وضعیت نابرابری جنسیتی در کشورهای شبه‌قاره هند

۱- نادر شوهانی ۲- برهان ویسی‌ناب ۳- سهراب امیریان ۴- محمدحسن یزدانی

### چکیده

امروزه این واقعیت پذیرفته شده‌است که اگر زنان از حقوق ابتدایی خود در جامعه محروم باشند، آن جامعه قادر به دستیابی به توسعه پایدار نخواهد بود؛ بنابراین پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی در پی آن است تا وضعیت نابرابری جنسیتی را در کشورهای شبه‌قاره هند در طول سه دوره (۲۰۱۱، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳) مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. اطلاعات موردنیاز پژوهش از طریق روش اسنادی و استفاده از گزارش جهانی توسعه انسانی و نابرابری جنسیتی سازمان ملل گردآوری شده‌است. نتایج پژوهش از دو جنبه قابل بررسی است: جنبه اول در سطح جهانی بیانگر آن است که در میان کشورهای شبه‌قاره در طول این سه دوره، هیچ کشوری وضعیت مناسبی ندارد که این نشان‌دهنده فاصله این کشور و کشورهای دیگر با استانداردهای جهانی است. جنبه دوم در سطح منطقه‌ای بیانگر آن است که در طول این سه دوره با وجود آنکه همواره کشورهای شبه‌قاره پیشرفت نسبی به لحاظ GII داشته‌اند؛ اما همواره رتبه آن‌ها در سطح منطقه تغییری نکرده‌است و کشور میانمار در رتبه اول و هند در رتبه آخر قرار گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: شبه‌قاره هند، شاخص نابرابری جنسیتی، توسعه انسانی.

۱- استادیار گروه جغرافیا دانشگاه پیام نور، مرکز ایلام

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)

Email: borhanveysi@gmail.com

۳- استادیار گروه جغرافیا دانشگاه پیام نور، مرکز سنندج

۴- دانشیار گروه برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۳

## ۱- مقدمه

## ۱-۱- بیان مسأله

یکی از ویژگی‌های دنیای امروز، دگرگونی‌های سریع اجتماعی است. این تحولات در حوزه فکر و فرهنگ صبغه پرشتابی دارد. عصر حاضر، به‌طور عام شاهد مسائل و پرسش‌های بنیادی در باب انسان امروز، از جمله چیستی زنان و مسائل آنان است. این پرسش‌ها در آغاز به انسان، فارغ از جنسیت او توجه کرده و سپس به‌طور طبیعی به مسائل زنان معطوف شده‌است (پورطاهری و پوروردی نجات، ۱۳۸۸: ۱۱۶). امروزه به موازات تحولات گسترده‌ای که در اوضاع اجتماعی زنان در جوامع بشری پدید آمده‌است، شاهد تغییر و تحولاتی در خواسته‌ها و نیازهای زنان جامعه هستیم که این خواسته‌ها در جهت احقاق حقوق از دست‌رفته آن‌ها و دستیابی به عدالت جنسیتی است. علی‌رغم پیشرفت‌هایی که زنان در همه کشورهای جهان به‌دست آورده‌اند، تفاوت‌های جنسیتی همچنان شالوده‌نابرابری‌های اجتماعی است. اگرچه در نیمه دوم قرن بیستم زنان بیش از گذشته درگیر عرصه‌های عمومی چون اجتماع، سیاست و بازار کار شده‌اند؛ اما همچنان از منابع ارزشمند جامعه مانند ثروت، قدرت و منزلت برکنار می‌مانند (نبوی و علامه، ۱۳۹۳: ۸).

با مروری بر وضعیت زنان در جهان و مقایسه آن با وضعیت مردان، روشن می‌شود که زنان از نظر امکانات و مشارکت فعال در توسعه، از بخش‌های بسیار آسیب‌پذیر جمعیت هستند (ادهمی و روغیان، ۱۳۸۸: ۱۲۹). اجماع نظر گسترده، ولی نه جهان‌شمول در خصوص برتری مردان بر زنان، در همه جوامع وجود دارد. با این حال، پرواضح است که در میزان و ماهیت نابرابری جنسیتی در جوامع گوناگون تفاوت‌های عمده‌ای وجود دارد؛ حتی در جوامعی که به‌لحاظ فرهنگی تساوی طلب (egalitarian) هستند می‌توان سلطه مردان (male dominance) و خصومت جنسی (sexual antagonism) را مشاهده کرد و در بیشتر جوامع مردسالار ممکن است زنان قدرت، اقتدار، استقلال و پرستیژ بسیاری برای خود فراهم آورند (Sanderson et al, 2005: 1429). نابرابری جنسیتی (Gender Inequality) یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات جامعه است که می‌تواند نظم اجتماعی، توسعه و حتی ثبات سیاسی جامعه را تهدید کند. نابرابری جنسیتی مؤلفه بارز حیات اجتماعی انسان‌ها در طی یک قرن گذشته بوده‌است و در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی صورت‌های گوناگونی دارد؛ از جمله وابستگی اقتصادی زنان به مردان براساس مشارکت کمتر زنان در نیروی کار و دستمزدهای اندک برای آن‌ها،

وابستگی سیاسی ناشی از سلطه مردان بر ساختارهای قدرت سیاسی، وابستگی به اقتدار بیشتر مردان و قدرت تصمیم‌گیری آن‌ها در خانواده و محل کار، وابستگی به قدرت مردان در تعیین و تعریف واقعیت اجتماعی، وابستگی به مردان در مراقبت از زنان در برابر خشونت سایر مردان و حتی وابستگی روان‌شناختی زنان به مردان، به واسطه پیوندهای عاطفی نه فقط نفس نابرابری جنسیتی، بلکه پیامدهای آن در سطوح خرد، میانه و کلان، ضرورت توجه به این موضوع را آشکار می‌کند (همتی و مکتوبیان، ۱۳۹۲: ۱۱۷). به هر حال در هر یک از مراحل توسعه و تحول، نابرابری و شکاف جنسیتی تعدیل می‌شود و تغییرات این شکاف به یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اندازه‌گیری‌کننده در جهت تعیین وضعیت جامعه مورد نظر از حیث سطح توسعه و پیشرفت تبدیل می‌شود. بزرگ و عمیق بودن آن نیز به نوبه خود می‌تواند موجب تأخیر یا کندی حرکت و سیر تحول و پیشرفت شود. توزیع عادلانه‌تر موقعیت‌ها و منابع میان زنان و مردان موجب رشد اقتصادی و بهره‌وری می‌شود. بررسی مقایسه‌ای کشورها نشان می‌دهد، کشورهایی که در آموزش دختران سرمایه‌گذاری می‌کنند، از نرخ رشد بالاتری برخوردار هستند (آذربایجانی و مصطفایی، ۱۳۹۰: ۹۰)؛ بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده و اهمیت برابری جنسیتی، هدف تحقیق حاضر بررسی وضعیت شاخص نابرابری جنسیتی (Gender Inequality Index) در کشورهای شبه‌قاره هند است که وضعیت این نابرابری جنسیتی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، بهداشتی و آموزشی مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۲-۱- اهداف تحقیق

- رتبه‌بندی و مشخص کردن میزان GII در شبه‌قاره هند.
- رتبه‌بندی و مشخص کردن میزان GII کشورهای شبه‌قاره در سطح جهان.
- تحلیل تطبیقی کشورهای شبه‌قاره به لحاظ سنجه‌های مختلف GII.

## ۳-۱- فرضیه‌های تحقیق

- به نظر می‌رسد کشور هند<sup>۱</sup> نسبت به سایر کشورهای شبه‌قاره به لحاظ GII وضعیت مناسب‌تری دارد.
- به نظر می‌رسد کشورهای شبه‌قاره هند به لحاظ GII وضعیت مناسبی ندارند.

۱- دلیل انتخاب کشور هند جمعیت و وسعت زیاد این کشور نسبت به سایر کشورهای شبه‌قاره است.

## ۴-۱- پیشینه تحقیق

بحث لزوم توجه ویژه به مسائل زنان در گفتمان توسعه سازمان ملل برای پیشرفت زنان با آغاز سال ۱۹۷۵ شدت یافت. تا پیش از سال ۱۹۷۰ که «باسروپ» (Esther Boserup) کتاب برجسته‌اش درباره زنان و توسعه را منتشر کند، چنین می‌پنداشتند که اثر فرایند توسعه بر زنان و مردان یکسان است؛ اما پژوهش درباره زنان در کشورهای درحال توسعه، مفاهیم بنیادین توسعه را به چالش فراخواند و سپس جنسیت را به بررسی فرایند توسعه افزود (عباس‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۰۰)؛ بنابراین در زمینه وجود نابرابری بین زن و مرد در ابعاد مختلف مطالعات ارزشمندی در داخل و خارج از کشور انجام شده که در زیر به مهم‌ترین آن‌ها اشاره شده است:

واعظ برزانی و حاتمی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان اثر برابری جنسیتی آموزشی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب درحال توسعه (۲۰۰۰-۲۰۰۶) مدل سیستم هم‌زمان، نشان دادند که بهبود برابری جنسیتی آموزشی تسریع‌کننده رشد اقتصادی است که به‌طور مستقیم به‌واسطه تأثیر آن بر انباشت سرمایه انسانی و به‌طور غیرمستقیم از طریق تنظیم رشد جمعیت و توسعه سرمایه‌گذاری حاصل شده است؛ از این رو لازم است کشورهای درحال توسعه با اتخاذ سیاست‌های مناسب و در نظر گرفتن نقش زنان در توسعه اقتصادی، زمینه‌های ارتقاء برابری جنسیتی در جهت رشد اقتصادی را فراهم کنند.

صالحی و دیگران (۱۳۹۱) در پژوهشی ضمن محاسبه نابرابری جنسیتی سرمایه انسانی در ایران و سایر مناطق جهان به این نتایج رسیدند که نابرابری سرمایه انسانی در زنان و مردان در طول دوره‌های مختلف به‌جز در کشورهای پیشرفته همواره درحال کاهش بوده و این ضریب در زنان همواره از مردان بیشتر بوده است. همچنین در سه دهه اخیر با افزایش سرمایه‌گذاری برای کاهش نرخ بی‌سوادی و همچنین گسترده شدن دانشگاه‌ها در ایران، از نابرابری سرمایه انسانی به‌ویژه در زنان، به‌طور چشمگیری کاسته شده است.

ویسی‌ناب و دیگران (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی وضعیت شاخص توسعه انسانی (Human Development Index) در کشورهای شبه‌قاره هند پرداخته‌اند که نتایج پژوهش بیانگر آن است کشورهای شبه‌قاره هند در وضعیت مناسبی به‌لحاظ شاخص توسعه انسانی قرار ندارند، زیرا تنها دو کشور هند و بوتان به‌ترتیب با مقدار شاخص توسعه انسانی ۰/۵۴۸ و ۰/۵۲۲ در گروه کشورهای با توسعه انسانی متوسط قرار می‌گیرند و کشورهای پاکستان،

بنگلادش، میانمار و نپال به ترتیب با مقدار شاخص توسعه انسانی ۰/۵۰۴، ۰/۵۰۰، ۰/۴۸۳ و ۰/۴۵۸ در گروه کشورهای با توسعه انسانی پایین قرار می‌گیرند.

رزمی و کاوسی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین توسعه اقتصادی و نابرابری جنسیتی در استان‌های ایران» به این نتیجه رسیدند که یک ارتباط U وارونه بین نابرابری جنسیتی و درآمد سرانه وجود دارد. همچنین ارتباط معکوسی بین نابرابری جنسیتی با صادرات و ارتباط مستقیمی با سهم بخش صنعت در اقتصاد مشاهده شد.

Bicakova (۲۰۱۲) در پژوهش خود افزون‌بر اشاره به شکاف در بازار کار مردان و زنان با توجه به نرخ بیکاری، به بررسی دلایل این شکاف نیز پرداخته‌است. در این تحقیق، شکاف جنسیتی درباره نرخ بیکاری به اثرات تولد فرزند بر مشارکت نیروی کار زنان نسبت داده شده‌است. همچنین در این پژوهش نشان داده شده‌است که در کشورهای اروپای شرقی کارفرمایان به استخدام زنان متأهل تمایل کمتری دارند و این مسأله نیز عامل ایجاد شکاف جنسیتی در بازار کار است.

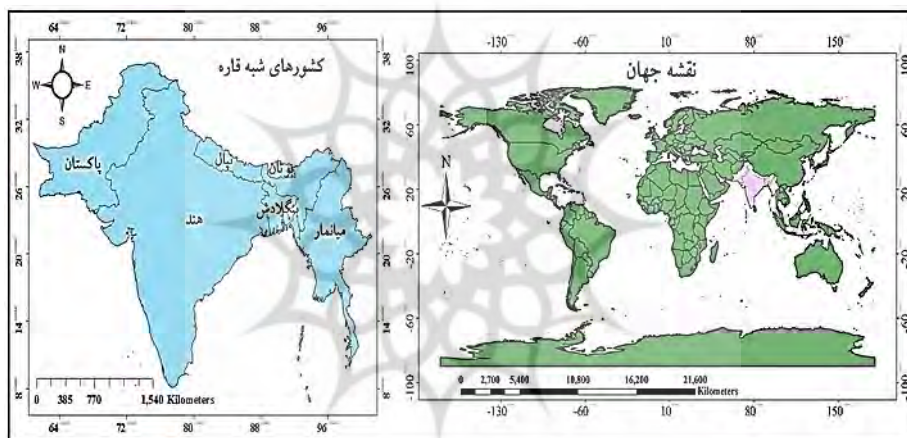
Eastin and Prakash (۲۰۱۳) از مطالعه بر روی کشورهای توسعه‌یافته در دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۰۵ نتیجه گرفتند که توسعه اقتصادی و نابرابری جنسیتی از رابطه‌ای غیریکنواخت برخوردار بوده که دارای سه فاز است؛ در فاز اول، توسعه اقتصادی نابرابری جنسیتی را بهبود داده‌است. در فاز دوم این روند ثابت شده یا اندکی کاهش خواهد یافت و در فاز سوم این روند افزایش مجدداً بهبود می‌یابد؛ به عبارت دیگر، بین توسعه اقتصادی و نابرابری جنسیتی رابطه‌ای S شکل وجود دارد. براساس مطالعات انجام‌شده در هر یک از مراحل توسعه، به‌ویژه در مرحله دوم، برای بهبود شاخص‌های جنسیتی باید همراه با فرایند توسعه اقتصادی، سیاست‌های مناسب در زمینه‌های مختلف نیز اتخاذ شود.

#### ۵-۱- روش تفصیلی تحقیق

روش تحقیق در مطالعه حاضر توصیفی-تحلیلی است و از حیث نوع تحقیق کاربردی است که از روش توصیفی مبتنی بر تجزیه و تحلیل آمار و اطلاعات مستخرج از اسناد و مدارک علمی معتبر و در تحلیل این شاخص‌ها در کشورهای مورد مطالعه، از روش تحلیلی استفاده شده‌است. این مطالعه تطبیقی براساس گزارش توسعه انسانی و شاخص نابرابری جنسیتی برنامه توسعه سازمان ملل از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ انجام شده‌است.

## ۶-۱- معرفی محدوده مورد مطالعه

در مورد اینکه شبه‌قاره هند شامل چه کشورهایی است، اتفاق نظر خاصی وجود ندارد. علی‌رغم وحدانیت جغرافیایی، نقشه سیاسی شبه‌قاره هند مثل بسیاری از مناطق دیگر، به وسیله فرایند جداسازی تکامل یافته‌است (پورپویان و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۸)؛ بنابراین در مطالعه حاضر با بررسی منابع مختلف مشخص شد که کشورهای شبه‌قاره هند شامل شش کشور هند، پاکستان، بنگلادش، بوتان، نپال و میانمار (برمه) است (ویکی‌پدیا، ۱۳۹۴) که کشور هندوستان وسیع‌ترین و پرجمعیت‌ترین و کشور بوتان کوچک‌ترین و کم‌جمعیت‌ترین کشور در این گروه است (شکل ۱).



شکل ۱. نقشه موقعیت جغرافیایی کشورهای شبه‌قاره هند

## ۲- مبانی نظری تحقیق

یکی از شاخص‌هایی که در گزارش‌های سالانه سازمان ملل متحد درباره توسعه انسانی کشورها به آن پرداخته می‌شود، شاخص نابرابری جنسی است. شاخص نابرابری جنسی (GII) در واقع ارقامی از ۰ تا ۱ را شامل می‌شود که هرچه این رقم بیشتر باشد حاکی از نابرابری بیشتر میان زن و مرد در یک کشور است (ویسی‌ناب و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۶۲).

شاخص نابرابری جنسی نابرابری‌های جنسیتی در سه بُعد زیر سنجیده می‌شود:

الف) بهداشت عمومی: به واسطه مرگ‌ومیر زنان به هنگام زاد و ولد (در ۱۰۰ هزار تولد) و نرخ باروری نوجوانان (مادران کم‌سن و سال در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال).

ب) توانمندی: از دو جنبه سیاسی و آموزشی با استفاده از متغیرهای سهم کرسی‌های پارلمانی کسب‌شده توسط هر جنس و نیل به آموزش‌های ثانویه و بالاتر در هر جنس (درصد نمایندگان زن در مجلس و درصد زنانی که به تحصیلات متوسطه و عالی دست پیدا کرده‌اند).

ج) فعالیت اقتصادی: با استفاده از نرخ مشارکت بازار کار برای هر جنس (درصد مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی است) (UNDP: 2013: 120).

شاخص نابرابری جنسی، جایگزین شاخص توسعه جنسی (Gender-related Development Index) و شاخص توانمندسازی جنسی (Gender Empowerment) شده‌است. این شاخص نشانگر اُفت در توسعه انسانی در نتیجه نابرابری بین فعالیت‌های زنان و مردان در هر سه بُعد (بهداشت عمومی، توانمندی، مشارکت در فعالیت اقتصادی) است. مهم‌ترین مزیت این شاخص آن است که اجازه نمی‌دهد بهبود در یک بُعد، کاهش چشم‌گیر در بُعد دیگر را پوشش دهد. هدف از طراحی این شاخص این است که نشان دهد دستاوردهای ملی در بخش توسعه انسانی تا چه اندازه براساس نابرابری جنسیتی از بین رفته‌است (خیری‌دوست و نصیری، ۱۳۹۴: ۵۳).

به‌طورکلی نظریات متفاوتی در زمینه نابرابری‌های جنسیتی وجود دارد که برای نخستین‌بار در سنت نظریه‌پردازانی چون مارکس، وبر، زیمل و... که به مسأله نابرابری‌های اجتماعی پرداخته‌اند، مشاهده می‌شود. نظریات درباره نابرابری‌های جنسیتی این نکته را روشن می‌کند که نابرابری‌های جنسیتی ناشی از عوامل ساختاری هستند که می‌توانند اقتصادی، سیاسی، هنجاری یا همه آن‌ها باشند (زنجانی‌زاده، ۱۳۸۴: ۵۷).

### ۳- یافته‌های تحقیق

#### ۳-۱- مقایسه وضعیت توسعه یافتگی زنان در کشورهای شبه‌قاره هند

در این پژوهش سعی شده‌است که ابتدا وضعیت کشورهای شبه‌قاره به‌لحاظ شاخص GII در سطح جهانی و منطقه‌ای مشخص شود، سپس تغییرات آن در طول سه دوره از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ مورد بررسی قرار گیرد و درنهایت سنجه‌های این شاخص و تغییرات آن نیز بررسی شود. میزان این شاخص بین صفر و یک است که صفر برابری کامل بین زنان و مردان را نشان می‌دهد (جدول ۱).

جدول ۱. میزان GII برای کشورهای شبه‌قاره در طول سه دوره

سال ۲۰۱۳		سال ۲۰۱۲		سال ۲۰۱۱		کشور
رتبه GII		رتبه GII		رتبه GII		
منطقه‌ای	جهانی	منطقه‌ای	جهانی	منطقه‌ای	جهانی	
۴	۱۱۵	۴	۱۱۱	۳	۱۱۲	بنگلادش
۳	۱۰۲	۲	۹۲	۲	۹۸	بوتان
۵	۱۲۷	۵	۱۲۳	۵	۱۱۵	پاکستان
۱	۸۳	۱	۸۰	۱	۹۶	میانمار
۲	۹۸	۳	۱۰۲	۴	۱۱۳	نیپال
۶	۱۲۷	۶	۱۳۱	۶	۱۲۹	هند

منبع: (UNDP, 2014a, b, c, d, e, f, g)

جدول شماره ۱ بیانگر وضعیت کشورهای شبه‌قاره به‌لحاظ وضعیت GII (مقدار، رتبه جهانی و منطقه‌ای) در سال‌های ۲۰۱۱، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ است. براساس این جدول کشور میانمار در طول این سه سال با مقادیر GII، ۰/۴۹۲، ۰/۴۲۷، ۰/۴۳۰ در رتبه اول منطقه و کشور هند نیز بدون هیچ تغییری در طول این سه دوره به‌ترتیب با مقادیر GII، ۰/۶۱۷، ۰/۶۱۰ و ۰/۵۶۳ در رتبه ششم در بین کشورهای شبه‌قاره قرار دارد؛ اما با وجود این، تجزیه و تحلیل جدول ۱ گویای آن است که همه این کشورها با وجود آنکه رتبه مناسبی را به‌لحاظ جهانی ندارند (رتبه‌بندی جهانی بین ۱۵۲ کشور است)؛ اما همواره مقدار این شاخص در طول سه دوره، پیشرفت نسبی رو به بهبود را نشان می‌دهد. نکته قابل‌توجه این است که پیشرفت رتبه بعضی کشورها مانند بنگلادش، بوتان و پاکستان، تغییرات منفی داشته‌است که نشان می‌دهد، این پیشرفت به‌لحاظ GII در سطح جهانی در مقایسه با کشورهای دیگر کمتر بوده‌است. بیشترین تغییر مثبت (رو به بالا) در رتبه جهانی مربوط به کشور نیپال با ۱۵ پله و بیشترین تغییر منفی (رو به پایین) مربوط به کشور پاکستان با ۱۲ پله سقوط است. به‌طورکلی بررسی تغییرات منطقه‌ای نشان می‌دهد در سطح منطقه در طول سه دوره مورد مطالعه، رتبه میانمار، پاکستان و هند به‌عنوان کشورهای اول، پنجم و ششم ثابت بوده‌است؛ اما کشور نیپال توانسته است رتبه خود را بهبود دهد و از رتبه ۴ در سال ۲۰۱۱ به رتبه ۳ در سال ۲۰۱۲ و در نهایت به رتبه ۲ در سال ۲۰۱۳ برسد که این نشان‌دهنده یک حرکت مثبت در زمینه بهبود وضعیت این شاخص در کشور نیپال است؛ زیرا در سطح جهانی نیز بیشترین پیشرفت را



داشته‌است، اما این قضیه در زمینه کشورهای بنگلادش و بوتان برعکس است و این کشورها تنزل رتبه‌ای داشته‌اند.

در زمینه مقدار GII بیشترین تغییر مثبت مربوط به کشور نپال با ۰/۰۷۹ درصد پیشرفت و کمترین مربوط به بوتان با صفر درصد تغییر و سایر کشورها نیز به ترتیب بنگلادش، پاکستان، میانمار و هند مقدار ۰/۰۲۱، ۰/۰۱۱، ۰/۰۶۲ و ۰/۰۵۴ تغییر مثبت داشته‌اند. در کل، کشور نپال به لحاظ پیشرفت در سه زمینه (رتبه جهانی، رتبه منطقه‌ای و مقدار GII) بیشترین پیشرفت را نسبت به سایر کشورهای منطقه داشته‌است. براساس گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۴ در سطح جهانی، اسلوونی با نمره ۰/۰۲۱ در شاخص GII کمترین نابرابری جنسیتی را در جهان دارد. همچنین سوئیس و آلمان با نمرات ۰/۰۳۰ و ۰/۰۴۶ پس از اسلوونی کمترین نابرابری بین زن و مرد را به خود اختصاص داده‌اند. علاوه بر این، کشورهای یمن، چاد و افغانستان به ترتیب با نمرات ۰/۷۳۳، ۰/۷۰۷ و ۰/۷۰۵ در این شاخص بیشترین نابرابری جنسیتی و در نتیجه بدترین وضعیت را در برابری بین دو جنس زن و مرد دارند. همچنین میانگین این شاخص در سال ۲۰۱۴ برای کشورهای با توسعه انسانی خیلی بالا، بالا، متوسط و پایین به ترتیب برابر با نمرات ۰/۱۹۷، ۰/۳۱۵، ۰/۵۱۳ و ۰/۵۸۷ است (UNDP, 2014: 174-175) که این بیانگر فاصله فراوان کشورهای شبه‌قاره با کشورهای برتر جهان و فاصله بسیار نزدیک با کشورهای توسعه‌نیافته است.

### ۲-۳- مقایسه شاخص نابرابری جنسیتی در کشورهای شبه‌قاره از نظر وضعیت بهداشتی

سلامت، چه فردی و چه جمعی، بی‌تردید از مهم‌ترین ابعاد توسعه انسانی و شرطی برای ایفای نقش‌های اجتماعی است. در این زمینه توجه به وضعیت سلامت زنان اهمیت ویژه‌ای دارد و از طرفی به وضعیت سلامت زنان به منزله نیمی از جمعیت جامعه باید توجه شود. از طرف دیگر، نقش کلیدی زنان در تکامل خانواده و جامعه به تأثیرگذاری سلامت آنان بر نحوه فعالیت خانواده و فرزندان منجر شده‌است (خیری‌دوست و نصیری، ۱۳۹۴: ۵۴). برخورداری از زندگی طولانی‌توأم با سلامت به تعریف شاخص نرخ مرگ‌ومیر مادران منجر شده‌است. شاخص دیگر، نرخ باروری زنان نوجوان است که آن نیز ارتقای سلامت مادران را در نظر دارد؛ بنابراین برای مقایسه وضعیت کشورهای شبه‌قاره از نظر شاخص بهداشتی، دو سنجه نرخ مرگ‌ومیر مادران در هر ۱۰۰ هزار تولد و نرخ باروری زنان نوجوان (۱۵ تا ۱۹ ساله) (منظور از زنان نوجوان سن پایین مادران است) که به‌عنوان گویه‌های جهانی مطرح هستند، استفاده شده‌است (جدول ۲).

جدول ۲. وضعیت کشورهای شبه‌قاره هند به‌لحاظ شاخص بهداشتی

سال ۲۰۱۳		سال ۲۰۱۲		سال ۲۰۱۱		کشور
نرخ باروری زنان نوجوان (۱۵ تا ۱۹ ساله)	نرخ مرگ‌ومیر مادران در هر ۱۰۰ هزار تولد	نرخ باروری زنان نوجوان (۱۵ تا ۱۹ ساله)	نرخ مرگ‌ومیر مادران در هر ۱۰۰ هزار تولد	نرخ باروری زنان نوجوان (۱۵ تا ۱۹ ساله)	نرخ مرگ‌ومیر مادران در هر ۱۰۰ هزار تولد	
۸۰/۶	۲۴۰	۶۸/۲	۲۴۰	۷۸/۹	۳۴۰	بنگلادش
۴۰/۹	۱۸۰	۴۴/۹	۱۸۰	۵۰/۲	۲۰۰	بوتان
۲۷/۳	۲۶۰	۲۸/۱	۲۶۰	۳۱/۶	۲۶۰	پاکستان
۱۲/۱	۲۰۰	۱۲	۲۰۰	۱۶/۳	۲۴۰	میانمار
۷۳/۷	۱۷۰	۸۶/۲	۱۷۰	۱۰۳/۴	۳۸۰	نیپال
۳۲/۸	۲۰۰	۷۴/۷	۲۰۰	۸۶/۳	۲۳۰	هند

منبع: (UNDP, 2014a, b, c, d, e, f, g)

بررسی وضعیت کشورهای شبه‌قاره هند به‌لحاظ نرخ مرگ‌ومیر مادران در هر ۱۰۰ هزار تولد بیانگر آن است که تمام کشور (به‌جز کشور پاکستان که مقدار مرگ‌ومیر مادران در طول سه دوره همواره ثابت بوده و ۲۶۰ نفر در هر ۱۰۰ هزار تولد) سایر کشورها پیشرفت نسبتاً خوبی را داشته‌اند. بیشترین پیشرفت در طول سه دوره متعلق به کشور نیپال، با کاهش ۲۱۰ تولد و بعد از پاکستان کمترین پیشرفت مربوط به کشور بوتان با ۲۰ تولد است. در کل کمترین نرخ مرگ‌ومیر مادران در هر ۱۰۰ هزار تولد مربوط به کشور نیپال با ۱۷۰ مرگ‌ومیر است؛ کشوری که در سال ۲۰۱۱ بیشترین تعداد مرگ‌ومیر در مادران را با ۳۶۰ مرگ‌ومیر داشت که این نشان‌دهنده بی‌توجهی این کشور به مسأله بهداشت و باروری در حیطه زنان است. بعد از نیپال به‌ترتیب کشورهای بوتان، میانمار، هند، بنگلادش و در رتبه آخر پاکستان قرار دارند. شایان ذکر است استونی با ۲، سنگاپور و یونان با ۳ مرگ مادر در هر ۱۰۰ هزار تولد زنده، بالاترین رتبه را در میان کشورهای دنیا به خود اختصاص داده‌اند. متوسط جهانی این سنجه براساس گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۴، برای کشورهای با توسعه انسانی خیلی بالا، بالا، متوسط و ضعیف به‌ترتیب ۱۶، ۴۲، ۱۸۶ و ۴۲۷ مرگ مادر در هر ۱۰۰ هزار تولد زنده است که این نشان می‌دهد بیشتر کشورهای شبه‌قاره به میانگین کشورهای متوسط نزدیک هستند.

در زمینه سنجه نرخ باروری زنان نوجوان (۱۵ تا ۱۹ ساله)، بررسی وضعیت کشورها بیانگر پیشرفت نسبی تمام کشورها به جز کشور بنگلادش است (مقدار این گویه در طول سه دوره افزایش ۱/۵ درصدی داشته، یعنی از ۷۸/۹ درصد به ۸۰/۶ درصد رسیده است). در میان کشورهای موجود، بهترین وضعیت در سه دوره متعلق به کشور میانمار با مقادیر ۱۶/۳، ۱۲ و ۱۲/۱ بوده است. همچنین بدترین وضعیت در طول دو دوره ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ مربوط به کشور میانمار با مقادیر ۱۰۳/۴ و ۸۶/۲ و در سال ۲۰۱۳ متعلق به کشور بنگلادش با ۸۰/۶ است. در طول سه دوره به ترتیب کشورهای بوتان، پاکستان، میانمار، نپال و هند کاهش چند درصدی به این قرار داشته‌اند: ۹/۳، ۴/۳، ۴/۲، ۲۹/۷ و ۵۳/۵. در سطح جهانی کمترین میزان این شاخص مربوط به کشور اسلوانی با ۰/۶ و سوئیس با ۱/۹ تولد در هر هزار زن ۱۵ تا ۱۹ ساله است.

در سال ۲۰۱۴ متوسط این شاخص در جهان ۴۵/۹۲ است (UNDP: 2014: 175). بررسی وضعیت کشورهای شبه‌قاره به لحاظ این سنجش بیانگر دو وضعیت متفاوت است؛ مورد اول اینکه ۴ کشور بوتان، پاکستان، میانمار و هند وضعیت مناسبی دارند، به طوری که از میانگین جهانی پایین‌تر هستند (به هر میزان که مقدار این سنجه کمتر باشد، وضعیت مناسب‌تر است) و کشورهای بنگلادش و نپال وضعیتشان از میانگین جهانی بالاتر است؛ بنابراین در زمینه این سنجه وضعیت مناسبی ندارند.

### ۳-۳- مقایسه کشورهای شبه‌قاره از نظر شاخص توانمندسازی و اقتصادی (جدول ۳)

توانمندسازی سیاسی، شامل سنجه‌های شکاف بین مردان و زنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی در بالاترین سطوح است. بررسی وضعیت کشورهای منتخب در سه دوره مورد مطالعه از طریق سنجه توانمندسازی سیاسی بیانگر آن است کشورهای بنگلادش، میانمار و هند به ترتیب افزایش ۱/۱، ۰/۶ و ۰/۲ درصدی داشته‌اند. کشور نپال با وجود آنکه بالاترین درصد در زمینه این سنجه را در میان کشورهای شبه‌قاره دارد (۳۳/۲ درصد کرسی‌های پارلمانی کسب‌شده توسط زنان)؛ اما در طول این سه دوره هیچ پیشرفتی نداشته و ثابت بوده است. وضعیت نگران‌کننده در مورد کشورهای بوتان و پاکستان است که این کشورها در واقع رشد منفی داشته‌اند؛ به طوری که در طول این سه سال به ترتیب بوتان ۷ و ۱/۴ درصد از کرسی‌های پارلمانی کسب‌شده توسط زنان، کمتر شده است. به طور کلی در سطح منطقه بهترین وضعیت و رتبه یک متعلق به نپال با ۳۳/۲ درصد و بدترین وضعیت متعلق به کشور میانمار با ۴/۶ درصد است.

جدول ۳. وضعیت کشورهای شبه‌قاره هند به‌لحاظ شاخص توانمندسازی و اقتصادی

کشور	سال ۲۰۱۱			سال ۲۰۱۲			سال ۲۰۱۳		
	توسط زنان (به درصد)	کرسی‌های پارلمانی کسب‌شده	سال به بالا (به درصد)	نرخ مشارکت نیروی کار ۱۵ سال به بالا (به درصد)	جمعیت با کمترین آموزش	توسط زنان (به درصد)	کرسی‌های پارلمانی کسب‌شده	سال به بالا (به درصد)	نرخ مشارکت نیروی کار ۱۵ سال به بالا (به درصد)
بنگلادش	۱۸/۶	۵۸/۷	۳۰/۸	۱۹/۷	۵۷/۲	۳۰/۸	۱۹/۷	۵۷/۳	۳۰/۸
بوتان	۱۳/۹	۵۳/۴	۱۶/۲	۱۳/۹	۶۵/۸	۳۴	۶/۹	۶۶/۴	۳۴
پاکستان	۲۱	۲۱/۷	۲۳/۵	۲۱/۱	۲۲/۷	۱۸/۳	۱۹/۷	۲۴/۴	۱۹/۳
میانمار	۴	۶۳/۱	۱۸	۴/۶	۷۵	۱۸	۴/۶	۸۵/۷	۱۸
نپال	۳۳/۲	۶۳/۳	۱۷/۹	۳۳/۲	۸۰/۴	۱۷/۹	۳۳/۲	۵۴/۳	۱۷/۹
هند	۱۰/۷	۳۲/۸	۲۶/۶	۱۰/۹	۲۹	۲۶/۶	۱۰/۹	۲۸/۸	۲۶/۶

منبع: (UNDP, 2014a, b, c, d, e, f, g)

بیشترین میزان مشارکت زنان در مجلس مربوط به کشور رواندا (گروه کشورهای کمتر توسعه‌یافته) است که در آن ۵۱/۹ درصد کرسی‌های مجلس به زنان اختصاص دارد و پس از آن کشور آندورا (گروه کشورهای با توسعه‌یافتگی بسیار بالا) با ۵۰ درصد و کوبا (گروه کشورهای با توسعه‌یافتگی بالا) با ۴۵/۲ درصد قرار دارند؛ به‌طور متوسط براساس گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۴، ۲۰/۷۵ درصد از کرسی‌های مجلس در سطح دنیا و ۲۶/۷ درصد از کرسی‌های مجلس در کشورها با توسعه‌یافتگی بسیار بالا، ۱۸/۸ درصد از کرسی‌های مجلس در کشورهای با توسعه‌یافتگی بالا و ۱۷/۵ درصد از کرسی‌های مجلس در کشورهای متوسط و در نهایت ۲۰ درصد از کرسی‌های مجلس در کشورهای ضعیف به زنان اختصاص یافته‌است (UNDP, 2014: 175)؛ بنابراین وضعیت هر کشوری در این سنج و وابسته به سطح توسعه‌یافتگی آن نیست. با توجه موارد بالا فقط کشور نپال، میانمار و پاکستان در وضعیت مناسبی قرار دارند و سایر کشورها در وضعیت بسیار نامناسبی از لحاظ این سنج قرار دارند؛ به‌طوری که نمره آن‌ها بسیار پایین‌تر از متوسط کشورهای کمتر توسعه‌یافته‌تر است.

اشتغال زنان، کلید استقلال اقتصادی در هر کشور و برابری بیشتر زنان و مردان در جامعه است؛ به طوری که یکی از پیش‌نیازهای اصلی برای دستیابی به اهداف اشتغال کامل، رشد اقتصادی پایدار و توسعه اجتماعی و فراهم کردن فرصت‌های شغلی برای زنان در جامعه است که به بهره‌گیری از توانمندی‌ها، پتانسیل اجتماعی، روانی و اقتصادی زنان در جامعه و عرصه حوزه عمومی کار منجر می‌شود. در گذشته تبعیض حقوقی در مشارکت زنان به‌عنوان نیروی کار وجود داشته‌است و این موضوع به‌عنوان یک مانع به ترک بسیاری از زنان شاغل از موقعیت شغلی خود و استفاده نکردن از توانایی‌ها و مهارت‌های آنان در فعالیتهای اقتصادی منجر می‌شد (نصیری و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۵). به‌هرحال، نرخ مشارکت نیروی کار به‌منزله یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی زنان در ادبیات بین‌المللی مطرح است. بررسی وضعیت کشورهای شبه‌قاره به‌لحاظ سنجه نرخ مشارکت نیروی کار زنان بیانگر آن است که به‌ترتیب سه کشور بنگلادش، نپال و هند به مقدار ۱/۴، ۹ و ۴ درصد پسرفت داشته‌اند و کشورهای بوتان، پاکستان و میانمار به‌ترتیب ۱۳، ۲/۷ و ۲۲/۶ درصد پیشرفت داشته‌اند که پیشرفت میانمار قابل توجه است. بیشترین درصد به‌لحاظ این سنجه مربوط به کشور میانمار با نمره ۸۵/۷ و کمترین نیز مربوط به کشور پاکستان با ۲۴/۴ درصد است.

براساس گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۴، نرخ مشارکت نیروی کار برای زنان در کشورهای با توسعه انسانی خیلی‌بالا ۵۲/۳، توسعه انسانی بالا ۵۷/۱، توسعه انسانی متوسط ۳۸/۷ و کشورهای با توسعه انسانی ضعیف ۵۵/۷ درصد است؛ بنابراین وضعیت توسعه‌یافتگی کشورها مشخص‌کننده وضعیت بالا یا پایین بودن این سنجه در سطح جهانی نیست؛ زیرا بیشترین نمره این سنجه مربوط به کشور تانزانیا (۸۸/۱ درصد) است که در گروه کشورهای ضعیف به‌لحاظ توسعه انسانی است (UNDP, 2014: 172-175). در کل به‌جز کشورهای پاکستان و هند که به‌ترتیب ۲۴/۴ و ۲۸/۸ درصد از زنان در بازار کار مشارکت دارند، در سایر کشورها وضعیت مناسب است و بیش از ۵۰ درصد از زنان در بازار کار مشارکت دارند. بالاترین و مناسب‌ترین درصد مربوط به کشور میانمار با ۸۵/۷ درصد است. وضعیت سایر کشورها در جدول شماره ۳ قابل مشاهده است. بررسی وضعیت آموزشی در کشورهای شبه‌قاره بیانگر آن است که در طول این سه دوره، تنها کشور بوتان پیشرفت ۱۷/۸ درصدی داشته، یعنی از ۲/۱۶ در سال ۲۰۱۱ به ۳۴ در سال ۲۰۱۳ رسیده‌است. بررسی وضعیت سایر کشورها نشانگر افت و پایین آمدن ۴/۲ درصدی کشور پاکستان

و ثابت ماندن وضعیت و نمرات سایر کشورها در سال‌های مورد مطالعه است. کشور بوتان با ۳۴ درصد از زنانی که تحصیلات بالاتر از ثانویه (متوسطه) دارند، در رتبه اول و کشور نپال با ۱۷/۹ درصد در رتبه آخر قرار دارد. براساس گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۴، مقدار این سنجش برای کشورها با توسعه انسانی خیلی بالا ۸۶/۱ درصد، کشورها با توسعه انسانی بالا ۶۰/۲ درصد، کشورها با توسعه انسانی متوسط ۳۴/۲ درصد و در نهایت کشورها با توسعه انسانی ضعیف ۱۴/۹ درصد است. همچنین در سطح جهانی بالاترین درصد مربوط به کشورهای کانادا، لوگزامبورگ، استرالیا، فنلاند و استونی با نمره ۱۰۰ درصد است. همچنین کمترین درصدها مربوط به کشورهای چاد و بورکینافاسو با نمرات بسیار پایین ۱/۷ و ۳/۲ درصد است (UNDP, 2014: 172-175)؛ بنابراین وضعیت تمام کشورهای شبه‌قاره در گروه کشورهای با توسعه انسانی متوسط قرار می‌گیرد؛ زیرا هیچ کشوری نمره بالاتر از ۳۴/۲ و پایین‌تر از ۱۴/۹ درصد را کسب نکرده است.

#### ۴- نتیجه

امروزه یکی از مباحث مهم نابرابری، مسئله نابرابری جنسیتی است که در سطوح مختلف جهانی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و مشخص شده که زنان و دختران به‌خاطر جنسیت خود، از پیشرفت‌های اجتماعی دور نگه داشته می‌شوند؛ بنابراین در این پژوهش، وضعیت کشورهای شبه‌قاره به‌لحاظ شاخص نابرابری جنسیتی در سال‌های ۲۰۱۱، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بیانگر آن است که در میان کشورهای شبه‌قاره، کشور میانمار در طول این سه سال با مقادیر GII، ۰/۴۹۲، ۰/۴۲۷، ۰/۴۳۰ در رتبه اول منطقه و کشور هند نیز بدون هیچ تغییری در طول این سه دوره به‌ترتیب با مقادیر GII، ۰/۶۱۷، ۰/۶۱۰ و ۰/۵۶۳ در رتبه ششم در بین کشورهای شبه‌قاره قرار دارد؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش رد می‌شود. بررسی‌ها در سطح جهانی بیانگر آن است که تمام کشورهای شبه‌قاره به‌ترتیب در میان ۱۵۲ کشور جهان که در رتبه‌بندی GII قرار دارند، به‌ترتیب بنگلادش، بوتان، پاکستان، میانمار، نپال و هند رتبه‌های ۱۱۵، ۱۰۲، ۱۲۷، ۸۳، ۹۸ و ۱۲۷ را کسب کرده‌اند که بیانگر جایگاه نامناسب این کشورهاست بنابراین فرضیه دوم تأیید می‌شود؛ اما بررسی وضعیت کشورها بیانگر آن است که همواره مقدار این شاخص در طول سه دوره، پیشرفت نسبی روبه‌بهبود داشته‌است، اما نکته قابل‌توجه این است که پیشرفت رتبه بعضی کشورها مانند بنگلادش، بوتان و پاکستان، تغییرات منفی داشته‌است که این نشان می‌دهد که این پیشرفت به‌لحاظ GII در سطح جهانی در مقایسه با کشورهای دیگر کمتر بوده است.

بیشترین تغییر مثبت (رو به بالا) در رتبه جهانی مربوط به کشور نپال با ۱۵ پله و بیشترین تغییر منفی (رو به پایین) مربوط به کشور پاکستان با ۱۲ پله سقوط است. در زمینه مقدار GII بیشترین تغییر مثبت مربوط به کشور نپال با ۰/۰۷۹ درصد پیشرفت، کمترین مربوط به بوتان با صفر درصد تغییر و سایر کشورها نیز به ترتیب بنگلادش، پاکستان، میانمار و هند مقدار ۰/۰۲۱، ۰/۰۱۱، ۰/۰۶۲ و ۰/۰۵۴ تغییر مثبت داشته‌اند. در کل کشور نپال به لحاظ پیشرفت در سه زمینه (رتبه جهانی، رتبه منطقه‌ای و مقدار GII) بیشترین پیشرفت را نسبت به سایر کشورهای منطقه داشته‌است.

#### ۵- منابع

- ۱- آذربایجانی، کریم، مصطفایی، هاجر، اثر نابرابری جنسیتی بر رشد اقتصادی و بهره‌وری کل عوامل تولید در کشورهای منتخب (۱۹۹۳-۲۰۰۶)، فصلنامه تحقیقات اقتصادی راه اندیشه، دوره ۱، شماره ۲، صص ۸۳-۱۱۲، اصفهان: تابستان ۱۳۹۰.
- ۲- ادهمی، عبدالرضا، روغنیان، زهره، بررسی تأثیر عقاید قالبی بر نابرابری جنسیتی در خانواده، پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال ۳، شماره ۴، صص ۱۴۴-۱۲۷، گرمسار: زمستان ۱۳۸۸.
- ۳- پورپویان، حسین؛ مجتهدزاده، پیروز؛ احمدی‌پور، زهرا، بنیان‌های جغرافیایی و ژئوپولیتیکی روابط در شبه‌قاره هند، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، سال ۲، شماره ۵، زاهدان: صص ۷۸-۵۵، ۱۳۸۹.
- ۴- پورطاهری، مریم؛ پوروردی نجات، مینو، سنجش نابرابری جنسیتی در بین زنان روستایی: مطالعه موردی استان گیلان، دانشنامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۵۵-۱۱۵، ۱۳۸۸.
- ۵- خیری‌دوست، زهرا؛ نصیری، بهاره، مقایسه تطبیقی شاخص‌های توسعه زنان در ایران و کشورهای همسایه آن، ویژه‌نامه پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۶، شماره اول، صص ۶۵-۴۷، ۱۳۹۴.
- ۶- رزمی، محمدجواد؛ کاوسی، شراره، بررسی رابطه بین توسعه اقتصادی و نابرابری جنسیتی در استان‌های ایران، مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، شماره ۸، سال ۲۱، صص ۱۲۰-۹۹، ۱۳۹۳.
- ۷- زنجانی‌زاده، هما، تحلیل رابطه آموزش و پرورش و نابرابری‌های جنسیتی، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۹۱، صص ۷۰-۵۵، ۱۳۸۴.
- ۸- صالحی، محمدجواد؛ روحانی، شادی؛ انتظاری، یعقوب، محاسبه نابرابری جنسیتی سرمایه انسانی در ایران و سایر مناطق جهان، نامه آموزش عالی، سال ۵، شماره ۱۹، صص ۵۱-۲۷، ۱۳۹۱.
- ۹- عباس‌زاده، سعیده، بررسی تطبیقی پنج برنامه توسعه کشور پیرامون دستیابی به عدالت جنسیتی با تأکید بر وضعیت آموزش عالی زنان در ایران و مقایسه آن با وضعیت جهانی، ویژه‌نامه

- پژوهش‌نامه زنان، سال ۶، شماره ۱، صص ۱۳۰-۹۷، ۱۳۹۴.
- ۱۰- نبوی، سید عبدالحسین؛ علامه، ساجده، بررسی نابرابری جنسیتی در سازمان‌های بوروکراتیک (مورد مطالعه: کارکنان سازمان‌های دولتی شهرستان اهواز)، مطالعات زنان، دوره ۱۲، شماره ۳، صص ۴۰-۷، ۱۳۹۳.
- ۱۱- نصیری، بهاره؛ هاشمی فشارکی، مریم‌السادات؛ خیری‌دوست لنگرودی، زهرا، وضعیت اقتصادی زنان در جمهوری ترکیه (طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۴)، ویژه‌نامه پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۳، شماره ۲، صص ۱۳۹-۱۱۹، ۱۳۹۱.
- ۱۲- واعظ‌برزانی، محمد؛ حاتمی، راضیه، اثر برابری جنسیتی آموزشی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب در حال توسعه (۲۰۰۰-۲۰۰۶) مدل سیستم هم‌زمان، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۷، شماره ۱، صص ۷۳-۵۳، ۱۳۸۹.
- ۱۳- ویسی‌ناب، فتح‌الله؛ بابایی‌اقدام، فریدون؛ ابراهیم‌زاده آسمین، حسین، تحلیل تطبیقی از وضعیت شاخص توسعه انسانی در کشورهای شبه‌قاره هند، فصلنامه شبه‌قاره، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۱۵۳-۱۷۰، ۱۳۹۲.
- ۱۴- همتی، رضا؛ مکتوبیان، مریم، بررسی وضعیت نابرابری جنسیتی در میان کشورهای منتخب خاورمیانه: با تأکید بر جایگاه ایران، ویژه‌نامه پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۴، شماره ۲، صص ۱۴۲-۱۱۵، ۱۳۹۲.
- 15- Bicakova, A, **Gender Unemployment Gaps in the EU: Blame the Family**, CERGEEI Working Paper Series (ISSN 1211-3298), 2012.
- 16- Eastin, j. Prakash, A, **Economic Development and Gender Equality: Is There a Gender Kuznets Curve?**. World Politics, 65(1); 156-186, 2013.
- 17- Sanderson, S., A. Heckert and JK. Dubrow, **Militarist, Marxian, and Non-Marxian Materialist Theories of Gender Inequality: A Cross-Cultural Reviewed work**, Social Forces, Vol. 83, No. 4, 2005.
- 18- UNDP, **Human Development Report 2013**, NY: OxfordUniversity Press, 2013.
- 19- UNDP, **Human Development Report 2014**, NY: Oxford University Press, 2014a.
- 20- UNDP, **Human Development report Bangladesh**, pp 1-5, 2014b.
- 21- UNDP, **Human Development report Bhutan**, pp 1-5, 2014c.
- 22- UNDP, **Human Development report India**, pp 1-5, 2014d.
- 23- UNDP, **Human Development report Myanmar**, pp 1-5, 2014e.
- 24- UNDP, **Human Development report Nepal**, pp 1-5, 2014f.
- 25- UNDP, **Human Development report Pakistan**, pp 1-5, 2014g.